

گم‌شده قانون در ایران



کامبیز نوروزی

حقوق‌دان

در قانون‌گذاری ایرانی مردم و جامعه نقش و حضوری نداشته‌اند. قانون‌گذار ایرانی به واقعیت‌های زندگی روزمره مردم و عادات و سنن و عرف‌های مستحکم آنها کمتر توجه داشته است.

این نقض بزرگ و عمیق سابقه‌ای به درازای تفکر حقوق‌ جدید در ایران دارد و هرچه گذشت، بزرگ‌تر و عمیق‌تر شد.

از میانه‌های دوران قاجار که سفر به اروپا افزایش یافت، ایرانیان با جامعه‌ای پاکیزه و آباد و منظم روبه‌رو شدند که در نگاه آنها دلربایی می‌کرد. ایرانیان بودند که با مشاهده این جوامع و مقایسه آن با وضعیت اسفناک و پر ستم مردم ایران تلاش کردند رمز و راز پیشرفت و تغییرات دل‌انگیز این جوامع را بیابند. مهم‌ترین و نخستین چیزی که در اروپای جدید قرن نوزدهم به چشم می‌آمد، نظم و انتظامی بود که با آن و در آن پیشرفت‌ها حاصل می‌شدند و مردم از گزند خودکامگی حاکمان در امان بودند. چه چیز موجب این نظم کارآمد بود؟ همیشه از کوه یخ در اقیانوس آن مقدار می‌بینیم که از آب بیرون است. آنها هم نوک کوه یخ اروپای جدید را دیدند که نامی دلکش و فریبا داشته است: قانون.

مفهوم قانون به تدریج به ادبیات سیاسی ایران وارد شد. رساله معروف میرزا یوسف خان مستشارالدوله، به نام «یک کلمه» ۳۶ سال پیش از تصویب قانون اساسی مشروطه منتشر شد و تقریباً تمام تفکرات مشروطه‌خواهی بعد از خود را تحت تأثیر قرار داد. در این رساله میرزا یوسف با طرح قانون اساسی فرانسه و اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) و تمجید از آنها، تلاش می‌کند با استناد به آیات و احادیث و روایات نشان دهد این قانون و اعلامیه معارضه‌ای با اسلام و تفکر شیعی ندارد. او معتقد است که پیشرفت کشور فقط موقوف به یک کلمه است و آن هم قانون است. مستشارالدوله در توضیح نظریه خود می‌نویسد «من نگفتم که -قانون- فرانسه یا سایر دول را برای خود استنساخ -رونویسی- کرده و معمول بدارید، مراد من کتابی است که جامع قوانین لازمه و مقبول ملت ما باشد... تدوین چنین کتابی ممکن است خصوصاً در دیوانی که اجزای آن از رجال دانش و معرفت و ارباب حکمت و سیاست باشند همه کتب معتبره اسلام را حاضر و حاض و جمله کدهای دول متدنه را جمع کنند و در مدتی قلیل کتابی جامع نویسند».

در ۱۲۸۷ خورشیدی محمدحسین نائینی از علمای بزرگ شیعه «تنبيه الامه و تنزيه المله» را می‌نویسد و در آن از مطابقت مشروطه و قانون‌گذاری با فقه شیعه دفاع می‌کند.

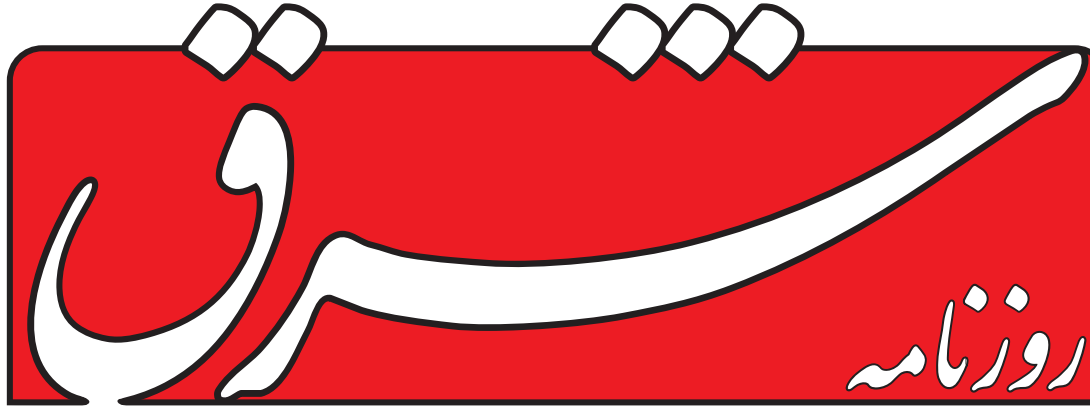
قانون اساسی مشروطه محصول همین فرایند است. این قانون از سوی کمیته‌ای مرکب از محمدحسین امین‌الغرب، جواد سعدالدوله، محمود مشاورالملک، سیدنصرالله تقوی و صادق مستشارالدوله و سیدحسن تقی‌زاده نگاشته شد و تا حد زیادی ترجمه قوانین اساسی بلژیک و فرانسه بود.

در برابر این نگاه، دیدگاه مشروطه قد علم می‌کند که شاخص‌ترین نماینده آن شیخ فضل‌الله نوری است. او در برابر تفکر مشروطه و قانون‌گذاری پارلمانی به سبک مشروطه معتقد است همه قوانین جامعه باید براساس احکام اسلام تنظیم شوند. شیخ قانون اساسی مشروطه را «ضلالت‌نامه» نامید. در نامه‌ای که به امضای او و چند نفر از علمای دیگر برای محمدعلی شاه فرستاده شد، آمده بود «مجلسی که با الگوبرداری از قوانین پارلمان‌های اروپایی تشکیل شده است، با قواعد اسلامی منافات دارد و ممکن‌الجمع نیست». طرفداران ایده مشروطه شعار می‌دادند «مشروطه نمی‌خواهیم، دین نبوی داریم».

این‌ قصه تا اینجا حکایتی مکرر است و درباره‌اش نویسندگان و محققان پرشماری گفته و نوشته‌اند. همه دعوا بر سر این است که باید مدل‌ها و الگوهای کشورهای پیشرفته را سرمشق قانون‌گذاری قرار داد یا احکام شرع را! یکی نگاه به مکانی دیگر دارد و یکی نگاه به زمانی دیگر. اما در این مرافعه نمی‌بینیم با بسیاری کم می‌بینیم که کسی نوشته یا گفته باشد که بیبیم در همین زمان و در مکانی که نامش جامعه ایران است، مردم چه می‌کنند و زندگی خود را چگونه سامان می‌دهند؟ در تاریخ طولانی این کشور نظم و نظامی پر جامعه و رفتار مردم حاکم بوده است. این نظم و نظام در مناسبات مختلف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی که در جوامع مختلف شهری، روستایی و عشایری چه خصوصیاتی داشته است و چطور می‌توان بر آن اثر گذاشت و آن را به‌اصطلاح مدرن کرد؟

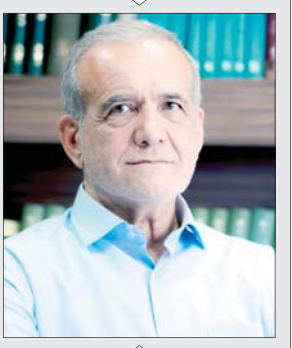
چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۳
۴ صفر ۱۴۴۶
۷ آگوست ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۹۷
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه



رئیس جمهور در دیدار نمایندگان اهل تسنن در مجلس:

اولویت در چینش کابینه با افراد قائل به بهره‌گیری از همه ظرفیت‌هاست



در «شرق» امروز می‌خوانید: «والز» معاون «هریس» شد • به مناسبت سالگرد مشروطه: «سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ» و مبارزه حاد طبقاتی • واکنش شورای شهر تهران به حادثه سقوط مرگبار آسانسور در شهرداری منطقه ۱۸

«شرق» درباره ضرورت جوان‌گرایی در انتخاب وزرای کابینه چهاردهم برای غلبه بر تداوم معضل ناکارآمدی‌های مدیریتی گزارش می‌دهد

هیاهوی کمپین‌های عبوس

گزارش تینبریک را در صفحه ۳ بخوانید



گزارش توصیفی «شرق» از وضعیت رسانه‌ها و خبرنگاران در چهار دهه گذشته

تقلا برای ادامه

شهروزاد قصه‌گو، گم‌شده این روزهای ما زخمی نامرئی بر ساحت خبرنگاری

یادداشت

مراقب شب‌ها باشیم



محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

حاکم کوفه مسندی گرفت و در مقابل مختار ایستاد. با بالاگرفتن کار مختار، در نامه‌ای خواستار پیوستن به او شد، اما مختار نپذیرفت. مدتی بعد به زبیریان پیوست تا در سال ۷۰ که از دنیا رفت.

شبث مسلمان شد، کافر شد و دوباره مسلمان شد. با علی بود، با معاویه بود، به امام حسین نوشت، با ابن‌زیاد بود، تمایل داشت با مختار باشد ولی نشد و در نهایت با زبیریان نیز بود و شاید اگر عمرش کفاف می‌داد با دیگران نیز همراهی می‌کرد.

شبث را چگونه می‌توان فهمید؟ آیا او در دل انسانی حقیقت‌گرا بود و

شبث بن ربیع هنگامی که اسلام در شبه جزیره عربستان گسترش یافته بود، مسلمان شد. پس از وفات پیامبر و ادعای برخی بر نبوت دروغین، به یکی از آنان پیوست، اما هنگام شکست آنان از مسلمانان، دوباره مسلمان شد. تاریخ خبری از وی نقل نمی‌کند تا اینکه در اواخر حکومت خلیفه سوم و گستره اعتراضات، او نیز در زمره مخالفان خلیفه وقت بود. در دوره امیرالمؤمنین نیز از فرماندهان سپاه وی بود، سپس جزء خوارج شد، اما هنگام درک قطعی بودن شکست خوارج و گفت‌وگو با حضرت علی، مجدد به حضرت پیوست. پس از جنگ نهروان و اوضاع متفرق کوفیان و حمله معاویه به سرحدات، اسمی از وی نیست. گفته شده که به همراه اشعث با معاویه نامه‌نگاری داشت. در زمان حکومت معاویه، سکوت اختیار کرد، اما در زمان خاص به نفع معاویه گام برداشت و علیه جبر گواهی داد و به استناد سخن او، حجر و یارانش به شهادت رسیدند. پس از مرگ معاویه، ازجمله کسانی بود که امام حسین را دعوت کرد و در نامه نوشت که همه چیز برای حکمرانی شما آماده است. وقتی ورق برگشت و ابن‌زیاد وارد کوفه شد، در پراکندن مردم از گرد مسلم فعال بود. او از فرماندهان لشکر عمر سعد علیه امام حسین شد، اما توجه داشت تا چندان فعال نباشد و تا آنجا که ممکن بود سعی می‌کرد در دید نباشد. شبث از طرف

یادداشت

مسئله اجتماعی و جایگاه آن در سیاست‌گذاری اجتماعی



یاسر باقری

عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران

مسیر از بنیاد نادرست بوده و چنین کاری نه‌تنها کوششی بی‌فایده، بلکه زیان‌بار بوده؛ چراکه مسیر کوشش‌های جایگزین را هم سلب یا حداقل دشوارتر کرده است. اگر تصور این دوستان آن بوده که با همراه‌کردن یک یا چند شخص در صدر یک سازمان می‌توان کل مسیر وزارت مذکور را تغییر داد، رجوع به جامعه‌شناسی سازمان‌ها و شناخت حداقلی از فرهنگ سازمانی، ناکامی این ایده را از آغاز نشان داده است.

از این موضوع و سازمان مذکور که بگذریم، از میان وزارتخانه‌های موجود، مهم‌ترین وزارتخانه‌ای که از ظرفیت‌تولیدی مسائل اجتماعی برخوردار است، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. استاد ابتدایی این موضوع به اهمیت‌یافتن مسائل اجتماعی در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی (مصوب ۱۳۸۳) بازمی‌گردد که زمینه‌تاسیس وزارت مذکور را به‌عنوان متولی اجرای مفاد این قانون فراهم کرد. اما استنادات تاریخی مستحکمی وجود دارد که از این قانون فراتر و حتی مهم‌تر است؛ عبارت «امور اجتماعی» که طی سالیان دراز از دهه ۱۳۲۰ تاکنون در پی وزارت «کار» بیان می‌شده، یکی از مهم‌ترین مستندات مذکور است.

برخلاف نظر بسیاری از دوستان، بر این باورم که اتفاقاً پدیدارشدن عبارت «رفاه اجتماعی» در اواخر دهه ۱۳۷۰ و آغاز دهه ۱۳۸۰ و تاسیس وزارت با عنوان «رفاه و تامین اجتماعی»، در شرایط خاص کشور و چیدمان سایر وزارتخانه‌ها، رخدادی مترقی محسوب نمی‌شود، بلکه بدیل مترقی آن می‌توانست بازگردانی عبارت «امور اجتماعی» و اعاده حیثیت و اعتبار به آن باشد. ما باید «وزارت امور اجتماعی» را بازتاسیس می‌کردیم و بازخوانی مترقی‌تری از مفهوم «امر اجتماعی» ارائه می‌کردیم که این بار ذیل مفهوم «کار» مدفون نمی‌شد و مجری آن «ادارات کار» نبودند. احیای مفهوم امر اجتماعی در خوانشی نو و به‌روز می‌توانست ما را به این اطمینان برساند که حداقل یک نفر در کابینه حضور دارد که وظیفه خود را دفاع از امر اجتماعی می‌داند؛ آن‌هم در شرایطی که عموم اعضای کابینه، به‌تردم تمام‌عیار امر اقتصادی یا وجوه مادی و مالی طرح‌ها و تصمیمات تأکید دارند. در هر صورت، در وضعیت کنونی لازم است یک وزارتخانه (فارغ از اینکه چه نامی را رد می‌کشد) وجود داشته باشد تا مسائل اجتماعی کشور را در سطح کلان کشور و در هیئت دولت، به‌عنوان بلندمرتبه‌ترین شورای تصمیم‌گیری و اجرا، بپذیری کرده و اثرات اجتماعی تصمیمات بر امور اجتماعی را نیز گوشزد کند.

برگزیده‌ها

رونمایی از کابینه چهاردهم به‌زودی

دولت چهاردهم برای اصلاح وضعیت بازار ارز با گرفتاری‌های پیچیده روبه‌رو است

گره ارز

نقره قطعی شد، ماند مدال خوش‌رنگ

چشمک طلای المپیک به کشتی ایران

خبرنگار

یاد همکاران در بند

یادداشتی از کیسوففوری

سایه‌های موازی

یادداشتی از وحید معتمدنژاد

چند کلام با رئیس‌جمهور به بهانه روز خبرنگار

یادداشتی از محمدهادی جعفرپور

یادداشت

بی بی در نقش هیتلر



هاشم اورعی

استاد دانشگاه صنعتی شریف

به‌تازگی اسرائیل در دو حمله موشکی به جنوب بیروت و شمال تهران، فؤاد شکر، یکی از فرماندهان حزب‌الله و اسماعیل هنیه، رهبر سیاسی حماس را به شهادت رساند. این اقدامات در پی حمله راکتی به مجدل شمس در جولان و کشته‌شدن ۱۲ کسودک و نوجوان انجام شد. حمله اسرائیل به مواضع حزب‌الله پیش‌بینی‌پذیر بود ولی ترور اسماعیل هنیه به‌ویژه در تهران همه را حیرت‌زده و غافلگیر کرد. با وجود ادعای کاخ سفید مبنی بر تمایل‌نداشتن به گسترش منازعات در منطقه، حملات اخیر اسرائیل خطر جنگ در خاورمیانه را به‌شدت افزایش داده است. اعلام اقدامات تلافی‌جویانه از سوی مقامات جمهوری اسلامی و حزب‌الله حاکی از آن است که شرایط می‌تواند از کنترل خارج شود. بدون شک جمهوری اسلامی حملات اسرائیل را به‌چالش‌کشیدن عمق استراتژیک و شبکه خود در منطقه ارزیابی کرده و دولت ایالات متحده را در این ماجراجویی بی‌تقصیر نمی‌داند. بلافاصله پس از تهاجم موشکی اسرائیل به جنوب بیروت، نیروی هوایی آمریکا پایگاه کاتب حزب‌الله در عراق را بمباران کرد و تعدادی از شبه‌نظامیان این گروه جان باختند. در شرایط فعلی طرف‌های درگیر اقدامات خود را با توجه به عملیات خصمانه طرف مقابل تنظیم می‌کنند و به‌این‌ترتیب به نقطه‌ای نزدیک می‌شوم که هریک از طرف‌های درگیر برای دستیابی به بیشترین بازدارندگی در طرف دیگر، دست به اقدام زده و به‌این‌ترتیب مهار سطح تنش و جلوگیری از وخیم‌ترشدن اوضاع بسیار دشوار به نظر می‌رسد. از طرف دیگر بی‌توجهی فزاینده اسرائیل به درخواست‌های آمریکا برای پرهیز از بحران منطقه‌ای کاملاً آشکار است. ممکن است نتایج با صدور فرمان ترور رهبر سیاسی حماس در تهران به‌دنبال ریل‌گذاری و کشاندن پای ایالات متحده به درگیری نظامی با جمهوری اسلامی باشد.

ایامه‌در صفحه ۱۱

ایامه‌در صفحه ۵